

نغمه های جاویدان

منتخبی از مزامیر داود

هفته پنجم

فهرست مندرجات

- | | | |
|---|--|----------------|
| ۱ | (مزمور ۵۰) : خدا طالب قدوسیت است | فصل بیست و نه |
| ۲ | (مزمور ۵۱) : دعای شخص گناهکار به جهت آمرزش | فصل سی ام |
| ۳ | (مزمور ۵۳) : حماقت و شرارت انسان | فصل سی و یکم |
| ۴ | (مزمور ۵۵) : اعتراض بر علیه شیران | فصل سی و دوم |
| ۵ | (مزمور ۵۶) : پیروزی ایمان | فصل سی و سوم |
| ۶ | (مزمور ۶۱) : اعتماد داشتن به حمایت خدا | فصل سی و چهارم |
| ۷ | (مزمور ۶۲) : منتظر خدا بودن | فصل سی و پنجم |

((فصل بیست و نهم))

(مزمور ۵۰) : خدا طالب قدوسیت است

احضار برای داوری

خدای قادر مطلق تمامی بشر را از مشرق تا مغرب احضار نموده است! نور جمال خداوند بر معبد زیبا که بر کوه صهیون است می تابد. او که آتش ملتهب گرداگردش است با صدای رعد میاید. طوفانی سهمگین به دورش طغیان می کند. او آمده است تا قوم خود را داوری کند. بر آسمان و زمین فریاد می زند که: «جمع شوید ای قوم من که توسط قربانیهایی که بر روی مذبح من می گذرانیدید قول دادید که مرا اطاعت نمائید» خداوند از روی انصاف کامل بر آنها داوری خواهد نمود، زیرا آسمانها عدالت و انصاف او را اعلام می کنند.

پیغام به عادلان

ای قوم من گوش دهید زیرا من خدای شما هستم! گوش دهید! اینک آن اتهاماتی که بر شما وارد است: از لحاظ قربانیهایی که بر مذبح من میگذرانید ارادی نمیگیرم، چون مرتب آنها را میگذرانید. اما آنچه که واقعاً از شما می خواهم قربانی گاوان و بزها نیست، زیرا جمیع حیوانات دشت و صحرا و جنگل، و بهایمی که بر روی هزاران کوه می باشند، و کلیه پرندگان از آن من هستند! اگر گرسنه بودم به شما نمی گفتم، چون دنیا و هر آنچه که در آن است به من تعلق دارد. خیر، احتیاج به قربانیهای حیوانی شما ندارم! آنچه از شما خواستارم سپاسگزاری های واقعی می باشد؛ از شما می خواهم به قول های خود وفا کنید. میل دارم در مواقع زحمت بر من توکل نمائید تا شما را رستگار سازم و بدینوسیله مرا جلال دهید!

پیغام به شریران

ولیکن خدا به شریران می گوید: فرائض مرا بیان مکنید و وعده های مرا بر زبان نیاورید. چون که شما از تأدب شدن ابا نموده و احکام مرا حقیر شمرده اید. تو دزد را دیده او را یاری نمودی و اوقات خود را با شریران و مفسدان گذرانیدی، تو نفرین میکنی و دروغ میگوئی و از دهانت سخنان فرومایه جاری می شود. بر برادر خود تهمت میزنی من سکوت کردم و تو هم تصور کردی که اهمیت نمی دهم، اما اینک وقت تنبیه نمودن تو فرا رسیده است و همه این اتهامات بر تو وارد است این است آخرین فرصت برای همه شمائی که خدا را فراموش کرده اید قبل از آنکه شما را هلاک کنم و فریاد رسی نداشته باشید. اما تمجید واقعی قربانی شایسته ایست که می پسندم و موجب حرمت نام من می شود. کسانیکه در طریق من قدم بر میدارند نجات خواهند یافت.

((فصل سی ام))

(مزمور ۵۱) : دعای شخص گناهکار به جهت آمرزش

(این مزمور پس از آنکه تاتان نبی به نزد داود آمد و گفت خدا وی را به سبب زنا با زن اوریا حتی و قتل شوهرش تنبیه خواهد نمود ، نوشته شده است .)

نیاز به تقدیس

ای خدای محبوب و مهربان بر من رحم فرما . بر من ترحم کن و لکه ننگ گناه مرا پاک ساز . خدایا مرا شستشو ده . مرا از این خطا طاهر کن . بگذار بار دیگر پاک شوم . زیرا به عمل شرم آور خویش اعتراف میکنم . این عمل شب و روز روحم را آزار می دهد . بر ضد تو و تنها نسبت به تو گناه ورزیده و این کار زشت را انجام داده ام . تو بر آن واقف هستی و هر حکمی که بر علیه من صادر کنی ، عادلانه است و مستحق آنم . ولی من گناهکار متولد شدم . بلی ، از همان لحظه ای که در رحم مادرم نقش بستم . تو طالب صداقت واقعی می باشی ؛ بلی ، خلوص نیت و راستگویی محض . ای خدا این حکمت را به من عنایت فرما .

التماس برای تقدیس شدن

گناهانم را با خون قربانی پسندیده بپوشان تا بار دیگر پاک شوم . مرا شستشو ده تا از برف سفیدتر گردم . پس از آنکه مرا تنبیه نمودی ، بار دیگر شادی قبلی ام را به من باز گردان . بر گناهانم خیره منگر . آنها را از نظر خود محو ساز . خدایا دل تازه و طاهر در من بیافرین و مرا از افکار پاک و آرزوهای شایسته مملو گردان . مرا از حضور خود تا ابد بدور میانداز . روح قدوس خود را از من مگیر . شادی نجات خود را به من باز گردان و مرا مطیع خود ساز .

نتیجه تقدیس

آنگاه طرق تو را به خطاکاران خواهم آموخت و ایشان (گناهکاران چون من) توبه نموده بسوی تو بازگشت خواهند نمود . مرا محکوم به مرگ منما ای خدای من تنها تو می توانی مرا رستگار سازی . سپس لبهایم را خواهم گشود و بخشش تو را خواهم ستود . ریاضت کشیدن را قبول نمیکنی والا با خوشحالی آن را انجام میدادم . به قربانی های سوختنی که به حضورت بر روی قربانگاه می گذرانند ، رغبت نداری . تو طالب روح شکسته و توبه کار می باشی . خدایا تو دل شکسته و پشیمان را نادیده نخواهی گرفت .

دعا به جهت احسان خدا

و خداوندا ، تو به خاطر گناهان من اسرائیل را تنبیه مکن . قوم خود را کمک کن و از اورشلیم محافظت فرما . وقتی که دل من با تو راست است ، آنگاه از کارهای نیکی که انجام می دهم و قربانی گاووان که بر قربانگاه تو میگذرانم راضی خواهی شد .

((فصل سی و یکم))

(مزمور ۵۳): حماقت و شرارت انسان

فاسد بودن شیران

فقط شخصی که نادان باشد به خود می گوید: «خدایی نیست» چرا این را میگویند؟ چونکه دل وی تاریک و شریر و اعمالش بد است زندگی اش در اثر گناهان رو به فساد و تباهی است. خدا از آسمان به میان همه انسانها نظر افکند تا ببیند آیا کسی هست که نیکوئی کند و واقعاً طالب خدا باشد. اما همه از او رو گردانیده و در اثر گناه نجس، فاسد و تماماً تباه شده اند. کسی نیکو نیست. حتی یکنفر هم پیدا نمی شود! این چگونه ممکن است؟ آیا بیش از این معرفت ندارند؟ زیرا قوم مرا چون نان میخورند ولی از آمدن به نزد خدا امتناع می ورزند. اما به زودی ترس و وحشت فراوان آنها را فرا خواهد گرفت. خدا استخوانهای خصمان تو را خرد و پراکنده می سازد. آنها تا ابد محکوم به فنا هستند چونکه خدا ایشان را رد کرده است.

آرزوی رستگاری

کاش اکنون خدا از صهیون بیاید و اسرائیل را نجات دهد! فقط هنگامی که خود خداوند آنها را برگرداند می توانند بار دیگر واقعاً شادمان شوند.

((فصل سی و دوم))

(مزمور ۵۵) : اعتراض بر علیه شریران

شکایت مزمور نویس

خدایا دعایم را بشنو؛ هنگامیکه فریاد میکنم خود را از من پنهان مکن! خدایا دعایم را بشنو و مستجاب فرما. زیرا بار غم و غصه خود گریان و نالانم. خصمانیم بر علیه من فریاد میکشند و مرا به مرگ تهدید می کنند. به طور وحشتناکی مرا احاطه نموده و توطئه می کنند تا مرا بکشند. خشم و نفرت ایشان، مرا فرا گرفته است. دل من مضطرب شده است. ترس بکلی بر من مسلط گردیده. وحشت سر تا پایم را فرا گرفته است. کاش چون کبوتر بال میداشتم تا از اینجا پرواز کرده به استراحت می پرداختم. به مکانی دور از دسترس این شریران پرواز می کردم و در صحرا ساکن می شدم. از دست دشمنان به سوی پناهگاهی می شتافتم.

شکایت بر علیه شریران

خدایا، این دشمنان را به جان همدیگر بیانداز تا یکدیگر را قلع و قمع کنند. ایشان را توسط جنگ و جدال خویش هلاک کن. گرچه شب و روز برای جلوگیری از مهاجم بر روی دیوارهای حصار خود نهبانی می دهند ولی مشکل واقعی آنها در داخل است، یعنی شرارت و تقلب که در داخل شهر ریشه دوانیده است. در آنجا قتل و غارت است و فریبکاری در بازارها رواج دارد. ملامت کننده من دشمن نبود - در آن صورت تحمل می کردم؛ یا می گریختم و پنهان می شدم. اما تو بودی، شخصی چون خودم، یعنی رفیق شفیق من. چه رفاقتی با هم داشتیم! چه فرصت های خوبی بود وقتی که با هم در ایام عید به معبد خداوند می رفتیم! بگذارید مرگ آنها را به کام خود کشد، چونکه گناه در خانه های ایشان است و تماماً ملوث شده اند.

اعتماد در دعا

اما من، خداوند را می خوانم تا نجاتم دهد - او نجات خواهد داد. صبح و ظهر و شامگاهان دعا می کنم و با صدای بلند از خدا التماس می نمایم؛ او شنیده مرا مستجاب خواهد فرمود. اگر چه در جنگ به علت کثرت دشمن عرصه بر من تنگ شود، او مرا می رهاوند. خود خداوند که از قدیم الایام بوده است، به آنها جواب خواهد داد! چونکه از او نترسیدند و فرامین وی را محترم نشمردند. این دوست من، مرا تسلیم نمود - من که با او صمیمی بودم. او قول خود را شکست. زبانش زهر کشنده است. بارهای خود را به خدا بسپارید، او آنها را حمل خواهد نمود. اجازه نخواهد داد تا پای مؤمنین بلغزد و بیافتند. او خصمانم را به گودال هلاکت سرنگون خواهد نمود. ایام زندگی قاتلان و دروغگویان کوتاه خواهد بود. اما من بر تو توکل دارم تا رستگار سازی.

((فصل سی و سوم))

(مزمور ۵۶) : پیروزی ایمان

تقاضای کمک

خداوندا بر من رحم فرما ؛ تمام روز قشون دشمن بر من می تازد . عده کثیری از جنگیدن با من می بالند ؛ چقدر اشتیاق دارند که مغلوب شوم ! اما هنگام ترس و توحش بر تو توکل خواهم نمود . بلی ، به وعده های خدا اعتماد دارم . چون بر خدا توکل دارم انسان به من چه می تواند بکند ؟

متوسل شدن برای گرفتن انتقام

همیشه مسیر گفته هایم را تغییر می دهند . تمام فکر و ذکرشان این است که به من آسیب رسانند . با هم جمع می شوند تا نقشه خود را کامل و عملی نمایند . در کمین گاه پنهان شده و منتظر می مانند تا مرا به قتل برسانند . آنها توقع دارند مرا بکشند ولی خود آسیبی نبینند . اما ای خدا تو به آنها اجازه نده . در خشم خود آنها را بر زمین بیانداز . شب زنده داریهای مرا دیده ای اشکهایم را جمع کرده و در مخزن خود ریخته ای ! هر قطره از آنها را در دفتر خود ضبط نموده ای . همان روزی که تو را بخوانم ، مسیر جنگ تغییر می کند و دشمنانم می گریزند . این یک چیز را می دانم : خدا پشتیبان من است ! بر خدا اتکاء دارم . آری ، وعده های او را بستائید . از آنچه که انسان می تواند به من بکند نمی ترسم ! بلی وعده های او را بستائید .

وفای نذرها

خداوندا ، به آنچه که قول داده ام وفا خواهم نمود و از اینکه مرا مساعدت فرمودی شکر می گویم ، زیرا پاهایم را از لغزش خوردن نگاه داشتی و از مرگ نجاتم دادی تا بتوانم در زمین زندگان به حضور تو ای خداوند سلوک نمایم .

((فصل سی و چهارم))

(مزمور ۶۱) : اعتماد داشتن به حمایت خدا

تقاضا برای محبت و ایمنی

خدایا به من گوش فراده ! دعایم را بشنو . زیرا در هر جا ، حتی اگر در دورترین نقطه زمین باشم ، از پیشگاهت تقاضای کمک خواهم نمود . وقتی که دلم مدهوش شود و طاقتم بسر آید ، مرا به پناهگاهی محفوظ هدایت کن . زیرا تو پناهنگاه من هستی ، برج بلندی که دشمنانم بدان دسترسی ندارند . در خیمه تو تا ابد خواهم زیست ؛ در زیر سایه بالهای تو در امان خواهم بود .

اعتماد به نیکوئی و مراقبت خدا

زیرا ای خدا من نذر نموده ام که تو را هر روزه ستایش کنم . تو برکات خود را که برای ترسندگان نامت ذخیره کرده ای ، به من ارزانی داشته ای . بر سالهای عمر من خواهی افزود و ایام زندگانیم را با برکات خود سرشار می گردانی . تا ابد در حضور خداوند خواهم زیست . آری ، با محبت و حقیقت خویش از من محافظت فرما ، و من هر روزه به نذرهای خود وفا نموده و پیوسته تو را حمد خواهم گفت .

((فصل سی و پنجم))

(مزمور ۶۲) : منتظر خدا بودن

منتظر خدا بودن برای نجات

در برابر خدا خاموش و آرام می ایستم و انتظار می کشم تا مرا برهاند . زیرا نجات فقط از جانب او می آید . بلی ، تنها او صخره ، رهاننده ، مدافع و قلعه من است . پس چرا هنگام زحمت دیدن ترسان شوم ؟ اما این چیست ؟ وقتی که تخت من در حال تزلزل است مرا آزار می دهند و می کوشند تا با خدعه و فریب از تخت معزول و هلاکم نمایند . آنها به ظاهر دوست ولی در باطن دشمنان من هستند !

منتظر خدا بودن برای پناهندگی

لکن من در حضور خدا ساکت می ایستم و منتظر می مانم تا مرا برهاند ، چون فقط از جانب او نجات می آید . بلی ، تنها او صخره ، رهاننده ، مدافع و قلعه من است . پس چرا هنگام زحمت دیدن ترسان شوم ؟ حمایت و موفقیت من فقط از جانب خداست . اوست پناهگاه من ، صخره ای که خصم بدان دسترسی ندارد . ای قوم من پیوسته بر او توکل نمائید . آرزوهای خود را در برابر بریزید ، زیرا او می تواند مدد فرماید .

منتظر خدا بودن برای کسب قوت

قوی ترین انسان یا ضعیف ترین آنها در نظر خدا هر دو ناچیز هستند . هنگام توزین از هوا هم سبکترند . از راه کلاه برداری و غصب مال مردم و غارت کردن ، برای خود ثروت ذخیره می کنند . مگذار دولتمندان مغرور شوند . او رحیم و مهربان است و هر یکی از ما را بر حسب کارهائی که به خاطر وی انجام می دهیم پاداش می دهد .